

کارآفرینی در مدارس : روش های آموزش کارآفرینی در مدارس

مهردادین اکبری قیچاق^۱، سیاوش حسین زاده قیچاق^۲، محرم اسدی منصورآباد^۳، محمدعلی هاتقی^۴

^۱کارشناسی، آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد
 آموزش و پرورش شهرستان چهاربرج، آموزگار
^۲کارشناسی، آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد
 آموزش و پرورش شهرستان ملکان
^۳کارشناسی، آموزش ابتدایی، دانشگاه آاد
 آموزش و پرورش شهرستان چهاربرج
^۴کارشناسی، روانشناسی، دانشگاه پیام نور
 آموزش و پرورش مرحمت آباد

چکیده

با گسترش شیوه های مدرن آموزشی در نظام های تعلیم و تربیت، توجه به مفاهیمی جدید و نو نظیر کارآفرینی در نظام های تعلیم و تربیتی حائز اهمیتی دوچندان گردید در نظام تعلیم و تربیت ایران نیز توجه به مسئله کارآفرینی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش آمده است؛ از این رو پژوهش حاضر به بررسی «کارآفرینی در مدارس: روش های آموزش کارآفرینی در مدارس» پرداخته است. روش پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و روش پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و شیوه گردآوری داده ها مبتنی بر شیوه کتابخانه ای و اسنادی می باشد. بدین صورت که اسناد مرتبط با موضوع پژوهش گردآوری شده است و با رویکرد توصیفی و تحلیلی داده های مرتبط با پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که برنامه آموزش تجربی و عملی کارآفرینی برای دانش آموزان و همچنین بهره گیری از مربیان حرفه ای در محث کارآفرینی می تواند به دانش آموزان در فراگیری کارآفرینی و کاربست آن در زندگی شخصی و اجتماعی خودشان موثر باشد و مشارکت فعال آن ها را در جریان یادگیری به همراه آورد.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، کارآفرینی، مدارس، مربیان، سند تحول

۱- مقدمه

با توجه به تغییرات مداوم در دنیای امروز و عواملی نظیر کوچکتر شدن شرکتها و کاهش میزان استخدام در شرکت‌های بزرگ، تغییر دیدگاه‌های کارفرمایان و تمایل ایشان به جذب افرادی با نگرش و رفتارهای کارآفرینانه، توجه و تاکید بر راه‌اندازی کسب و کار و به ویژه کارآفرینی ضروری به نظر می‌رسد (مرتضی نژاد، ۱۳۹۹: ۲۳۰). مفهوک کارآفرینی گسترده‌تر از خوداشتغالی و آشنایی با مشاغل موجود در جامعه است. واژه کارآفرینی از زبان فرانسه گرفته شده و به سایر زبان‌ها راه یافته است. انگلیسی‌ها سه اصطلاح متفاوت را در خصوص کارآفرینی به کار گرفته‌اند؛ ماجراجو، متعهد و کارفرما (هاشمی، ۱۳۸۰). کارآفرینی فرایندی از ارائه اندیشه‌های نو، بهره‌گیری از امکانات و فرصت‌های موجود با تکیه بر دانش، پیشه و کار مربوط به آن و پذیرش خطر است (نوروزی، ۱۳۸۸). کارآفرینی فرایند خلق چیز جدید و باارزش است که با اختصاص زمان و تلاش لازم و در نظر گرفتن ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی و دستیابی به رضایت فردی و مالی و استقلال به ثمر می‌رسد (توکلی مقدم، آبانی و عموزاده خلیلی، ۱۳۹۲). کارآفرینی فرایندی است که عوامل گوناگون را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد تا بهره‌برداری از منابع و فعال شدن آن‌ها در جهت بهره‌وری و تامین منافع مالی میسر گردد و با ایجاد موسسات بهره‌ور و خلاق، رشد و توسعه همه‌جانبه تحقق یابد. این فرایند مستلزم پذیرش ریسک است و منجر به عرضه محصول یا خدمات نو به جامعه می‌شود.

تامل در مفهوم و رسالت‌های آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای در نگاهی ملی و بین‌غالملی و تعمق در وضعیت فارغ التحصیلان این آموزش‌ها در نظام آموزش متوسطه کشور؛ از تعارض و آسیبی جدی حکایت دارد. در نگاهی ملی، تعریف آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای به آموزش‌های مهیاکننده شرایط و موجبات ایجاد مهارت‌های لازم و ارتقا دانش افراد و به فعلیت درآوردن استعدادها نرفته آنان، آماده کردن افراد برای احراز حرفه و کسب و کار و افزایش کارایی و مهارت آنان برای انجام کارها (کلیات نظام جدید آموزش متوسطه، ۱۳۷۳) و ترسیم هدف‌هایی چون اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و پرورش ملکات و صفات اخلاقی، بینش سیاسی و اجتماعی، شناخت بهتر استعداد و علایق یادگیرندگان و ایجاد زمینه مناسب برای هدایت آن‌ها به سمت اشتغال مفید و احراز آمادگی نسبی برای ادامه تحصیل در رشته‌های علمی و کاربردی (فناوری) (مرتضی نژاد، ۱۳۹۹: ۲۳۱) و در نگاهی جهانی، ترسیم رسالتی مانند «تحقق هدف‌های فرهنگی صلح، توسعه پایدار مبتنی بر محیط زیست سالم و همبستگی اجتماعی و شهروندی اجتماعی و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه متناسب با چالش‌های پیش رو مانند انفجار دانش و انقلاب فناوری اطلاعاتی» (مسالویا، ۲۰۱۰) و نقش‌هایی مانند کمک به کاهش فقر، افزایش امنیت غذایی و ارتقاء انسجام اجتماعی و ظرفیت‌های فنی و بین‌فردی افراد، بهبود ارتباط بین آموزش و دنیای کار، کمک به رشد حرفه‌ای برای آینده و کمک به افراد در یافتن شغل، کمک به رقابتی شدن مشاغل و موفقیت جوامع از طریق مهیا کردن آموزش‌های باکیفیت و ایجاد فرصت‌های یادگیری برای نیروی کار (هنری، ۲۰۱۵) و همچنین ارتقاء درآمدهای شرکت‌کنندگان در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (کارمل و مارک، ۲۰۰۹) ایجاد می‌کند که این آموزش‌ها از جایگاه مناسبی در نظام آموزشی کشور برخوردار بوده و بروندهای آن کارایی و اثربخشی بالایی داشته باشند. از این رو توجه به هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای از ضرورت مهمی برخوردار است و در سند تحول بنیادین در فصل دوم «بنیانه ارزش‌ها»، روحیه کارآفرینی، کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و مهارتی و هنری زمینه‌ساز کار مولد به‌عنوان یکی از ارزش‌های سند تحول بنیادین معرفی شده است. از این رو در پژوهش حاضر در تلاش هستیم تا هدف زیر را مورد بررسی قرار دهیم:

- راهکارهای ترویج و آموزش کارآفرینی در دوره متوسطه اول و دوم به چه صورت امکان پذیر می‌باشد؟

پیشینه پژوهش:

عزیزپوریان و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش با عنوان شناسایی و اولویت بندی مولفه‌های نظام آموزش کارآفرینی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای به نتایج زیر دست یافته‌اند: «مولفه‌های نظام آموزش کارآفرینی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای (آموزش کارآفرینی، ویژگی‌های روانشناختی هنرجویان، مشاوره تحصیلی و شغلی، سبک رهبری، مدیریت و سازماندهی هنرستان‌ها، ارتباط با صنعت و مهارت‌های تجاری و مدیریتی، محتوی، توسعه مهارت‌های کارآفرینی در فراگیران، فضا و تجهیزات آموزشی و شیوه آموزش) شناسایی گردید که رابطه‌ی همه مولفه‌ها با نظام آموزش کارآفرینی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای معنادار بود. همه مولفه‌های شناسایی شده در یک نظام آموزشی نقش اساسی دارند. برای داشتن محصول و خروجی مناسب در یک سیستم آموزشی که بتواند پیامد مثبت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... داشته باشد، ورودی و فرایند مناسب لازم است که در این پژوهش به ویژگی‌های هنرجویان، مربیان توانمند در زمینه کارآفرینی و فضا و تجهیزات آموزشی به‌عنوان ورودی سیستم آموزشی و به شیوه آموزش، محتوا، فعالیت‌ها، مدیریت، مشاوره و ارتباطات به‌عنوان فرایندهای اصلی سیستم آموزشی اشاره شده است. بررسی نظام‌های آموزشی و برنامه‌ریزی درسی آنان نیز نشان می‌دهد که این مولفه‌ها در عناصر برنامه درسی آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته‌اند.»

حاجی آقایی و خلخالی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «تبیین پدیده مدرسه به عنوان شتاب‌دهنده»، چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند: «ساخت دهی مدرسه با ماهیت شتاب‌دهنده، خلق سازوکاری منسجم برای حمایت و توسعه معلمان و دانش‌آموزانی با صلاحیت‌های ذهنی و رفتاری نو ارزش‌آفرینانه است. در واقع ایجاد فضای کاری اشتراکی است که در آن نقش‌ها و ساختارها بازتعریف شده‌اند. مدیر هنرستان به رهبری کارآفرین تبدیل می‌شود که ریسک را می‌شناسد و با مدیریت مالی عجین است. معلم دیگر آموزش دهنده‌ای ساده نیست، بلکه به یک مربی (کوچ و منتور) برای رشد و توسعه تبدیل می‌شود. او رابطی است که هنرآموز را به ماورای توانایی‌های فعلی‌اش هدایت می‌کند. در عین حال مشاوره‌ی همراه است تا با هم فکر کنند و با هم یاد بگیرند. برنامه‌دهنده‌ای است که با توجه به ایده هر دانش‌آموز، برنامه‌ی درسی فردی او را تدوین می‌کند. در این شتاب‌دهنده مدرسه‌ای، شبکه‌ای از مدیران کارآفرین، مربی‌ها، سرمایه‌گذاران شکارچی ایده و کارآفرینانی در دسترس است که شکست یا موفقیت را تجربه کرده‌اند. آن‌ها به طور مداوم در مدرسه حضور دارند و این طور به نظر می‌رسد که خود عضوی از این مدرسه‌اند و بالاخره دانش‌آموزان ایده‌پردازانی هستند که حول پروژه‌های فردی، مدیریت توسعه فردی خود را بر عهده دارند. بدین ترتیب، این شتاب‌دهنده در جهت هدایت ایده‌های دانش‌آموزان تا سطح مقیاس‌پذیری و تجاری‌سازی پیش می‌رود.»

مرتضی نژاد (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «ارتقای عملکرد هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای استان آذربایجان غربی به مثابه سازمان‌های کارآفرین مبتنی بر مدل پارادایمی نظریه برخاسته از داده‌ها» چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند: «کارآفرینی و کارآفرینی آموزشی از وجوه مختلف در برنامه درسی هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای مورد تایید و تاکید است. بر اساس اصل ارتباط چند وجهی و یادگیری ییمپارچه (رویکرد تلفیقی)، انتخاب و سازمان‌دهی محتوا باید به گونه‌ای باشد که هنرجویان را در اشکال مختلف تفکر و تعقل، علم، کار و عمل، تلاش و اخلاق به طور یکپارچه رشد دهد. با توجه به آنچه درباره ماهیت کارآفرینی و شایستگی‌های کارآفرینانه گفته شد و نیز با مراجعه به اسناد و مطالعه مولفه‌های فرعی هر یک از این هدف‌های کلی، همانند تفکر انتقادی، حل مسئله، قدرت تصمیم‌گیری، خودارزشیابی، خودآگاهی، قدرت اراده، یادگیری مستمر، اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، انعطاف، اخلاق حرفه‌ای و نظایر آن می‌توان نتیجه گرفت که آموزش کارآفرینی از اولویت‌های مهم و اصلی در برنامه درسی کشور است و می‌بایست بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.»

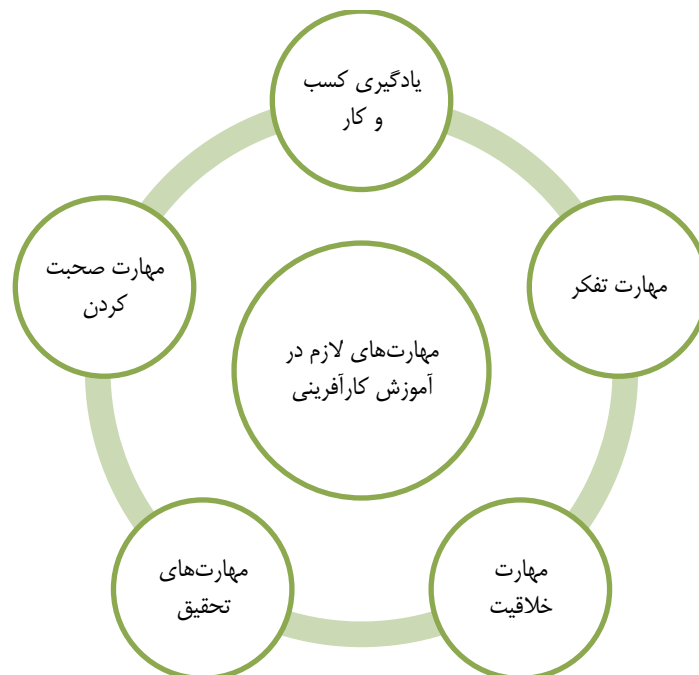
۲- روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. بدین صورت که اسناد مرتبط با موضوع پژوهش گردآوری شده است و با رویکرد توصیفی و تحلیلی داده‌های مرتبط با پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

۳- یافته‌های پژوهش

روش‌های آموزش کارآفرینی در مدارس دوره اول و دوم متوسطه

آموزش کارآفرینی می‌تواند یکی از اثرگذارترین شیوه‌ها برای انتقال آسان جمعیت دانش‌آموختگان به بازار کار باشد. شواهد نشان می‌دهد که افزایش آموزش‌های درست می‌تواند بیکاری را کاهش دهد (اجاقی، ۱۳۹۵: ۴). آموزش کارآفرینی یکی از زمینه‌های فنی ارتقاء اشتغال جوانان است که سازمان بین‌المللی کار بر عهده گرفته است (شکاری، ۱۳۹۵: ۳۴). مدارس با ایجاد جو انعطاف‌پذیر، خلاق و نوآور می‌توانند دانش‌آموزان را به صورتی کارآفرین تربیت نمایند و آنان را نسبت به تغییر و تحولات انعطاف‌پذیر بار بیاورند. در سند تحول بنیادین نیز بر تنظیم و اجرای برنامه جامع کارآفرینی و مهارت آموزی برای تمام دوره‌های تحصیلی به ویژه دانش‌آموزان دوره متوسطه در برنامه‌های درسی و آموزشی پیشنهاد شده است. مطابق سند چشم‌انداز مدرسه در افق ۱۴۰۴، مدرسه کانون عرضه خدمات و فرصت‌های تعلیم و تربیتی برای دانش‌آموزان به ویژه در بعد کارآفرینی است. بر این اساس می‌توان گفت که در آموزش کارآفرینی در مدارس توجه به ۵ عامل می‌تواند موثر باشد از این رو ضمن بیان آن‌ها به توضیح و ارائه روش‌هایی برای اجرای آموزش کارآفرینی در مدارس خواهیم پرداخت:



شکل ۱- مهارت‌های لازم در آموزش کارآفرینی در مدارس

یادگیری کسب و کار

دانش‌آموزان می‌توانند نوشتن را تمرین کنند، سوالات مصاحبه تهیه کنند و با کارآفرینان مصاحبه کنند. سپس می‌توانند اطلاعات را در فهرستی از انواع کالاها و خدمات، مکان‌ها و ساعات کار کسب و کار جمع‌آوری کنند و در آخر در مورد مکان، تبلیغات و محصولات با یکدیگر بحث کنند.

مهارت صحبت کردن

دانش‌آموزان را می‌توان برای ارائه ایده‌ها یا محصولات تجاری که فکر می‌کنند دیگران علاقه‌مند به خرید آن‌ها هستند، به چالش کشید. سپس آنها درباره مخاطبان بالقوه محصول و اینکه چگونه می‌توانند تغییراتی در آن ایجاد کنند که برای مخاطبانشان جذاب‌تر خواهد بود، بحث می‌کنند. دانش‌آموزان همچنین می‌توانند در مورد اینکه این محصول با چه چیزی و با چه کسی رقابت خواهد کرد، مشورت کنند.

مهارت‌های تفکر

به دانش‌آموزان ابتدا پیامزید که به کارهای مثبت و قوی فکر کنند و سپس نقاط ضعف خود را پیدا کنند تا بتوانند تغییرات مورد نیاز را برای جذاب‌تر کردن محصولشان را بیابند، همچنین به دانش‌آموزان اجازه دهید درک کنند، اشتیاق و رضایت داشته باشند تا ایده‌های اصلی خود را ارائه دهند تا با منابع محدودی که دارند را گسترش بدهند.

مهارت خلاقیت

به دانش‌آموزان ابتدا تخیل را یاد بدهید، به این شکل که یک شیء مشترک را به همه دانش‌آموزان بدهید و از آنها بخواهید تا آن شیء را با دید متفاوتی تصور کنند، این کار باعث می‌شود که دانش‌آموزان همان شیء را از منظر متفاوت ببینند، بنابراین دانش‌آموزان وادار می‌شوند تا احتمالات را در یک شیء مشترک به روشی جدیدی ببینند.

مهارت‌های تحقیق

از دانش‌آموزان بخواهید تا صفحات مختلف را بررسی کنند تا کسب‌وکارها، نام‌ها، مکان‌های جغرافیایی و عملکرد آن‌ها را پیدا کرده و دسته‌بندی کنند. در نهایت نتایج را با نام‌های متفاوتی در همان کسب‌وکار تولید کنند یا بفروشند. عوامل متعددی بر آموزش کارآفرینی موثرند از جمله:

۱. برنامه درسی مدارس برای تقویت کارآفرین باید شامل کلیه تجارب و فرصت‌های یادگیری باشد که به صورت رسمی و غیررسمی تحت نظارت و مسئولیت نظام آموزشی به منظور ایجاد تغییر مطلوب در دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های دانش‌آموزان بررسی و اجرا شود و عملکرد و بازده آن مورد ارزیابی قرار گیرد (امین‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۵).
۲. محتوای درسی
۳. مهارت مدرسان کارآفرینی
۴. برنامه‌ها و سیاست‌ها چرا امروزه دیگر مدرسه‌ها مکانی برای یادگیری یک سری آموزه‌های صرف نیست. کلارک معتقد است که در قرن بیست و یکم مدارس پویا هستند که کارآفرین بوده و بتوانند ارزش‌های تخصصی خود و مدیریتی را تلفیق نمایند (اجاقی و همکاران، ۱۳۹۵)
۵. ابزارهای عملی، امروزه برای آموزش کارآفرینی علاوه بر روش‌های آموزشی متنوع، باید از ابزارهای آموزشی مختلفی نیز استفاده شود.
۶. توانمندسازی روان‌شناختی که فرایند افزایش احساس شایستگی در کارکنان از طریق شناسایی و حذف شرایطی است که موجب ناتوانی آنان شده است. توانمندسازی روان‌شناختی عبارت است از فرآیند افزایش انگیزش درونی نسبت به انجام وظایف محوله در چهاربعد شناختی موثر بودن، شایستگی، معنی‌دار بودن و داشتن حق انتخاب.

در آموزش کارآفرینی موارد دیگری نیز حائز اهمیت هستند. آموزش کارآفرینی می‌تواند به روش‌های گوناگون در مدارس آموزش داده شود که به شرح ذیل می‌باشد:

یادگیری از مربیان حرفه‌ای

یکی از منابع مهم در آموزش کارآفرینی، یادگیری از فردی است که تخصص کسب و کار دارد. یک مربی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا مهارت‌های عملی را بیاموزند و بفهمند که چگونه ایده کسب و کار خود را از روی ابتدا اجرا کنند، همچنین یکی از مزایای دریافت آموزش کارآفرینی توسط یک راهنما این است که آنها ممکن است بتوانند دانش‌آموزان را با مجموعه‌ای از متخصصان دیگر مرتبط کنند.

برنامه آموزشی تجربی

مکان‌هایی مانند استودیوهای آموزشی ممکن است یک برنامه اختصاصی با برنامه درسی کارآفرینی نوآورانه داشته باشند تا به نسل بعدی کارآفرینان کمک کنند تا مسیر خود را آغاز کنند. این برنامه‌ها اغلب دارای یک مدل یادگیری هستند، که در آن کارآفرینان به هنگام توسعه ایده کسب و کار خود با منابع و سرمایه‌گذاران مرتبط می‌شوند.

۴- نتیجه‌گیری

استفاده از رویکردهای کارآفرینی و آموزش کارآفرینی در مدارس و به‌خصوص می‌تواند نقش موثری در ترویج روحیه کارآفرینی در میان دانش‌آموزان ایفا نماید. سیاست‌های کلی نظام آموزش و پرورش در ایران مطابق اسناد بالادستی نظیر سند تحول بنیادین در تلاش است تا با تغییر شیوه‌های سنتی آموزش، دانش‌آموزان را به سوی شیوه‌های نوین آموزش، نظیر آموزش کارآفرینی سوق دهند. بر این اساس لازم است برنامه‌های درسی و محتوای کتب درسی و همچنین معلمان و مولفان با شیوه‌های مدرن و نوین آشنایی داشته باشند تا بتوانند آن آموزش را در کلاس ارائه دهند. در آموزش کارآفرینی همچنین باید به یادگیری کسب و کار، مهارت صحبت کردن، مهارت‌های تفکر، مهارت خلاقیت و مهارت تحقق توجه داشت تا دانش‌آموزان بتوانند به صورت فعالانه در روند یادگیری مشارکت نمایند. همچنین لازم به ذکر است که استفاده از مربیان آشنا به کارآفرینی و مباحث آن و همچنین تدوین برنامه آموزش تجربی و عملی می‌تواند به دانش‌آموزان در فراگیری کارآفرینی به صورت عملی اثرگذار باشد.

منابع:

- اجاق، ص؛ رضایی، ب؛ نادری، ن؛ جعفری، ه (۱۳۹۵)، ارائه الگوی مفهومی مولفه‌های خرد و کلان نظام آموزش کارآفرینی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد سوم، شماره ۴، زمستان، صص ۵۴ - ۳۹.
- امین زاده، ل (۱۳۹۴)، ارزیابی برنامه درسی دوره متوسطه (کار و دانش) با نظر به موضوع کارآفرینی از دیدگاه متخصصان، دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، سال سوم، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۱۶۴ - ۱۴۳.
- توکلی مقدم، رضا؛ آبانی، سپیده و عموزاده خلیلی، حسین (۱۳۹۲)، بررسی عوامل اثربخشی در آموزش کارآفرینی و راهکار گذر از موانع، کار و جامعه، شماره ۱۰۲، صص ۲۷ - ۲۰.
- حاجی آقایی، حنیف؛ خلخالی، علی (۱۳۹۹)، تبیین پدیده مدرسه به‌عنوان شتاب‌دهنده، نشریه نوآوری‌های آموزشی، بهار ۱۳۹۹، شماره ۷۳، صص ۱۲۶ - ۱۱۱.
- شکاری، ع؛ زارعی سیهتی، ا؛ یزدخواستی، ع (۱۳۹۵)، نقش الگوی آموزش‌های کارآفرینی کسبو کار بر مهارت‌های کارآفرینی کارآموزان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای (مطالعه موردی: استان اصفهان)، دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، دوره ۴، شماره ۷، صص ۵۴ - ۳۱.
- عزیزپوریان، علی حسن؛ اسلام پناه، مریم؛ کرم افروز، محمدجواد؛ ملکیان، فرامرز؛ کاویانی، الهام (۱۳۹۸)، شناسایی و اولویت‌بندی مولفه‌های نظام آموزش کارآفرینی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، نشریه تحقیقات مدیریت آموزشی، تابستان ۱۳۹۸، شماره ۴۰، صص ۱۴۴ - ۱۲۳.
- مرتضی نژاد، نیلوفر (۱۳۹۹)، ارتقای عملکرد هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای استان آذربایجان غربی به مثابه سازمان‌های کارآفرین مبتنی بر مدل پارادایمی نظریه برخاسته از داده‌ها، نشریه نظریه و عمل در برنامه درسی، بهار و تابستان ۱۳۹۹، سال هشتم، شماره ۱۵، صص ۲۷۶ - ۲۲۹.
- نوروزی، محمدرضا (۱۳۸۸)، موانع کارآفرینی دانشگاه و اقدامات راهبردی برای تقویت کارآفرینی دانشجویان، کار و جامعه، شماره ۱۱۱، صص ۱۷ - ۱۰.
- هاشمی، حمید (۱۳۸۰)، سرمایه‌های جاودان، ویژه نامه همایش کارآفرینی و فناوری‌های پیشرفته، موسسه توسعه دانش و پژوهش، صص ۱۴۲ - ۱۳۶.
- Henry, C. (2015). "Entrepreneurship education and training: can entrepreneurship be taught? Part I" Education & Training Vol. 47 No. 2, pp. 98-111.
- Mwasalwiba, E.S. (2010). Entrepreneurship education: A review of its objectives, teaching methods, and impact indicators. *Education and Training*, 52, 20-47.
<http://dx.doi.org/10.1108/00400911011017663>